

سودای سارقانه

آمریکا می‌دانست که پس از پیروزی انقلاب اسلامی جایی در ایران ندارد و جاسوسانش هم به زودی شناسایی می‌شوند. به همین دلیل کارهای زیادی برای برآشفتن جامعه ایران و جلوگیری از رشد انقلاب را در برنامه‌های خود قرار داد. این شگردها به دلیل نوپا بودن جمهوری اسلامی هزینه‌های هنگفتی را به ملت ایران تحمیل کرد. با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران، بخش عمده‌ای از ابعاد این دشمنی با اسناد به دست آمده آشکار شد. در این شماره براساس همین اسناد به موضوع تلاش‌های آمریکا برای ایجاد تفرقه در میان اقوام ایرانی پرداخته‌ایم.

{ تجزیه طلبی }

از روز نخست پیروزی انقلاب اسلامی و در حالی که نظام نوپا شکل نیافته بود و حتی پیش از برگزاری همه‌پرسی «جمهوری اسلامی»، ادعاهایی برای تجزیه مناطقی از کشور، از جمله کردستان، در گوشه و کنار شنیده شد. بخش عظیمی از اسناد لانه جاسوسی مربوط به کردستان است. این مجموعه از اسناد دو کتاب شده است: کتاب اول حاوی یک جزوه پژوهشی از «سازمان سیا» با نام «نظری کلی بر مسئله کردها» است. مابقی کتاب اسناد مربوط به مداخله در کردستان در سال‌های قبل و بعد از انقلاب را دربر می‌گیرد. کتاب دوم مربوط به عملیات‌های سازمان سیا است که قسمت اعظم آن از اسناد رشته‌رشته شده به دست آمده است.

در ادامه تنها به چند مورد از اسناد لانه جاسوسی در این زمینه اشاره می‌کنیم. یکی از اسناد نشان می‌دهد فردی به نام سنت مارتین که کانادایی و رئیس یک شرکت آمریکایی بوده است، از طریق یک واسطه به سیا اطلاع می‌دهد؛ «در خرداد ۱۳۵۸، او و همسرش برای چند هفته به کردستان رفتند و با چند رهبر مهم کرد، از جمله رحیم سیف قاضی، ملاقات کردند. سیف قاضی به همراه دیگر اعضای فامیل قاضی به سنت مارتین گفتند که خواستار کمک او هستند تا به قدرتهای غربی پیام دهند که نهضتشان محتاج کمک غرب است و آن‌ها در تلاش برای تضمین آن کمک‌ها، مایل‌اند راهی برای ارتباط با غرب بازکنند.» این سند با وضوح بیشتری از رایزنی جدایی‌طلبان برای کسب حمایت‌های آمریکا سخن می‌گوید.



حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی اظهار داشت:

«ما آمریکا را از اول دشمن خود می‌دانستیم و اکنون نیز آتش افروز اصلی این جنگ می‌دانیم. ما احتمال می‌دهیم، آمریکا قدم‌های بزرگتری هم بردارد. اما آنچه که نتیجه نهایی جنگ است اینکه اگر آمریکا مستقیماً هم مداخله کند، کاری نمی‌تواند از پیشش ببرد. نه ما از ویتنامی‌ها کمترین و نه آمریکا از آن زمان قویتر است.»



ادموند ماسکی، وزیر خارجه جدید آمریکا گفت: «۵۲ گروگان آمریکایی در موعد مقرر آزاد خواهند شد ولی آزادی آن‌ها قریب‌الوقوع نیست»



صادق طباطبایی، از سوی دولت ایران و وارن کریستوفر، معاون وزارت خارجه آمریکا در شهر بُن آلمان غربی به طور محرمانه ملاقات کردند و پیرامون آزادی گروگان‌ها به مذاکره پرداختند. در این دیدار، طباطبایی ضمن اعلام شرایط ایران برای آزادی گروگان‌ها که چند روز پیش توسط رهبر انقلاب اعلام شده بود، گفت: «ایران متعهد می‌شود، دو روز پس از امضای قراردادی میان ایران و آمریکا، گروگان‌ها آزاد خواهند شد.» در این جلسه طباطبایی اصرار داشت که موضوع پیش از فرا رسیدن اولین سالگرد گروگان‌گیری خاتمه یابد.

۲۷ و ۲۵ شهریور

{ تجویز سناریو }

در یکی از اسناد «خیلی محرمانه» سفارت آمریکا، یکی از دیپلمات‌های آمریکایی به نام جان گریوز (John Graves) می‌گوید: «به نظر من حداقل دو سناریو وجود دارد که می‌توان آشوب به پا کرد و باعث سقوط نهایی آنان شد.»

سناریوی اول: تحریک نیروهای رو به تفرق ناشی از نارضایتی‌های نژادی و منطقه‌ای که اگر به نحو نامناسبی با آن‌ها برخورد شود، می‌تواند سبب بسته شدن حوزه‌های نفتی و رکود در اقتصاد سنتی شوند، و یا ناسیونالیسم آن‌قدر بی‌اثر می‌شود که توده‌های مردم از عدم استعداد و توانایی رهبران اسلامی خود ناراضی و ناامید شوند.

سناریوی دوم: ایجاد اختلاف در میان محصلان مدرسه‌ها و دانشجویان دانشگاه‌ها که این نیز می‌تواند به بروز نارضایتی عمومی و خشونت بینجامد و سبب به وجود آمدن همان دوره‌های ۴۰ روزه شهادت طلبی شود که به سقوط شاه منتهی شد. (اسناد لانه جاسوسی، ص ۱۳۱-۱۳۲).

در یک سند دیگر به تاریخ ششم اوت ۱۹۷۹ (۱۳۵۸/۵/۱۵) و دارای طبقه‌بندی «سری» آمده است: «کردها ممکن است از قدرت کافی برای تضمین خود مختاری بیشتر برای خود در غرب ایران برخوردار باشند، اما ما در حال حاضر فکر می‌کنیم که آن‌ها قادر به بسط قدرت و نفوذ خود در جهت براندازی دولت نیستند. اگر کردها، آذربایجانی‌ها، اعراب و سایر گروه‌های قومی تلاش‌های خود را هماهنگ کنند (اغتشاش هم زمان) و در جهت مشترک سرنگونی دولت کنونی با یکدیگر همکاری و از یکدیگر حمایت کنند، به عقیده ما آن‌ها امکان موفقیت دارند.» (پیشین، ص ۱۵۲).

در سندی که از یکی از پایگاه‌های جاسوسی آمریکا در ایران (اصفهان) کشف شده بود، یکی از افسران اطلاعاتی «سیا» در تاریخ نوزدهم ژوئن ۱۹۷۹ (۱۳۵۸/۳/۲۹) اظهار می‌دارد: «تمام بذره‌های یک جنگ داخلی در ایران کاشته شده است. ما تسلیحات زیادی داریم. گروه‌های زیادی در ایران همه آماده جنگ هستند. ما در آستانه موفقیت و پیروزی هستیم.»



۲۵

محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر ایران که به منظور شرکت در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک سفر کرده با خانم کاترین کوپ همسریکی از گروه‌های آمریکا و رئیس اف. ال. ا. ک دیدار کرد و درباره سلامتی گروه‌ها به وی اطمینان داد.



انتخاب رونالد ریگان، نامزد حزب جمهوری خواه به ریاست جمهوری آمریکا.

مذاکره مقامات الجزایر و آمریکا درباره گروه‌ها آغاز شد.

۲۶

۲۳

مقامات آمریکایی شرایط ایران را برای آزادی گروه‌ها رد کردند.



مسئولیت نگهداری گروه‌ها به دولت سپرده شد.

۲۴

نحوه و مشکلات آزادی سپرده‌های ایران در آمریکا از سوی مقامات آمریکایی اعلام شد.

۲۷

پانوش: ۱. در یکی از اسناد لانه جاسوسی چنین آمده است: «در تماس‌هایی که با تبعیدیان ایرانی در اروپا داریم، خیلی الزامی است که هیچ گونه اثری باقی نماند که نشانگر آن باشد که دولت آمریکا قصد مداخله در جریان‌ات داخلی ایران را دارد، یا اینکه با گروه‌هایی که علیه دولت جدید ایران، نقشه می‌کشند، همکاری می‌کند.» (اسناد لانه جاسوسی ۱۸۴).

۲. Edmond Moskie
۳. Cathryn Koob
۴. Family Liusion Action Group